

استاد جعفری لنگرودی و شعائر الاسلام

احمد باقری^۱

محسن مهدیان^۲

چکیده

استاد جعفری لنگرودی یکی از چهره‌های عرصه‌های فقه و حقوق اسلامی است. از ویژگی‌های علمی وی، علاوه بر تسلط به مبانی و آموزه‌های فقهی، قوت استدلال و توانایی استنباط و قدرت تجزیه و تحلیل در مسائل حوزه فقه و حقوق است. استنادات متعدد به کتاب شعائرالاسلام ملامحمد اشرفی که در زمان تألیف آثار مورد بررسی از استاد جعفری لنگرودی صرفاً تعداد معدود و انگشت‌شماری از آن به صورت چاپ سنگی و به صورت محدود در دسترس بوده است، از یک سو بیانگر تتبع عالمانه و خردمندانه و ذهن کنجکاو وی است و از دیگر سو، حاکی از ارزش این کتاب و جایگاه آن در میان آثار گران‌سنگ فقهی و حقوقی است. به ویژه آنکه به نظر می‌رسد وی در برخی از نظریه‌های حقوقی خود متأثر از این اندیشمند معاصر بوده است. از این رو واکاوی مراجعات استاد جعفری لنگرودی به این اثر فقهی، هم می‌تواند کتاب شعائرالاسلام و اهمیت آن را به عنوان یک مرجع متقن و موثق به حوزه‌های فقه و حقوق بیشتر بشناساند و هم به شناخت بیشتر مبانی فکری این حقوق‌دان منجر خواهد شد. به علاوه آن‌که از مقایسه‌ی آرای استاد جعفری لنگرودی و مؤلف شعائرالاسلام، می‌توان اشتراک نظر آنان را در غالب موضوعات در عین استقلال رای در موارد محل اختلاف نتیجه گرفت.

کلیدواژه: استاد جعفری لنگرودی، شعائرالاسلام، ملامحمد اشرفی، فقه، حقوق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بی‌تردید فقه امامیه یکی از مکاتب فقهی حقوقی به شمار می‌آید و از این حیث جایگاه ویژه‌ای دارد که در تاریخ فقه و حقوق، واقعیتی غیر قابل انکار است. اما این گنجینه عظیم در دوران معاصر به دلایلی گاه موجه و گاه غیرقابل توجیه، کم‌تر مورد توجه حقوق‌دانان و نویسندگان حقوقی قرار گرفته و در نتیجه‌ی آن، نظام تقنین با مشکلات و احیانا دوگانگی و تعارض و عدم توازن و یکپارچگی مواجه شده است. بررسی دلایل این رفتار و آثار نامطلوب آن خود موضوعی است که پژوهشی مستقل را می‌طلبد. تلقی عامیانه و احیانا مغرضانه از آموزه‌های فقهی، جدایی مطلق فقه از حقوق در دیدگاه عالمان هر دو حوزه و بالطبع ستیز آنها به جای معاضدت، عربی و پیچیده بودن متون فقهی، روزآمد نبودن شیوه بحث و تبویب آثار فقهی، عدم جایگزینی اصطلاحات جدید حقوقی برای تعبیر فقهی و طرح برخی از مسائل غیر کاربردی در متون فقهی حتی معاصر و دلایل متعدد دیگر می‌تواند مهم‌ترین اسباب چالش میان فقه و حقوق باشد که پرداختن به آنها ضرورت کنونی جامعه حقوقی است که لازم است اندیشمندانی که بر هر دو حوزه مسلط هستند، به رفع آن بپردازند تا جامعه حقوقی ما که امروز به ادعان بیشتر اندیشمندان با حقوق پیشرفته دنیا سالهای طولانی فاصله دارد، از تقلید صرف و انفعال مطلق خارج شود و بتواند فعال و موثر در جامعه حقوقی جهانی در تعامل با مکاتب مختلف حقوقی قرار گیرد و به تبادل اندیشه‌های نو و راهگشا بپردازد.

کاوش رفتار و آثار حقوق‌دانان برجسته‌ای چون امامی، عبده، استاد جعفری لنگرودی، کاتوزیان، شهیدی، صفایی و امثال این فرهیختگان که با توانایی و تسلط در هر دو حوزه فقه و حقوق، خالق نظریه‌های بومی و مستقل حقوقی هستند، می‌تواند دست‌مایه ابداع شیوه‌ای جدید برای تعامل این دو حوزه مهم و غنی در جهت پیشرفت ارکان حقوقی، قضایی و تقنینی جامعه کنونی ما باشد.

این نوشتار نیز به همین هدف و با تبیین رویکرد استاد جعفری لنگرودی به آموزه‌ها و متون فقهی نگارش شده است تا سرمشق نیکو و سرلوحه اندیشمندان نوپای حوزه فقه و حقوق باشد.

در میان انبوه کتب فقهی مورد تتبع استاد جعفری لنگرودی، کتاب فاخر شعائر الاسلام انتخاب شده است^۱ که در دهه‌های اخیر توسط نگارنده این سطور تصحیح و تاکنون دو جلد آن توسط دانشگاه تهران چاپ شده است.^۲

مهم‌ترین دلیل این انتخاب، مغفول ماندن این کتاب و آرای کاربردی و نگاه ویژه نویسندگان آن در میان اندیشمندان حوزه فقه و حقوق است و شناساندن آن می‌تواند مراجع این دو حوزه را غنی‌تر کند و وسعت

۱. در آثار استاد جعفری لنگرودی که مورد بررسی نگارندگان اثر حاضر واقع گردید، قریب به ۳۵۰ بار به کتاب شعائر الاسلام ارجاع شده

است که ابواب مختلف از جمله نکاح، طلاق، رهن، صلح، عقود و ایقاعات و وصیت را شامل می‌شود. هم‌چنین به واسطه‌ی گستردگی تألیفات ایشان سعی بر آن بوده است که از هر حوزه‌ی مورد تحقیق حداقل یک کتاب مورد بررسی و تفحص قرار بگیرد.

۲. ر. ک: اشرفی، حاج ملا محمد، شعائر الاسلام، ج ۱ و ۲، تصحیح و تعلیق احمد باقری، تهران، دانشگاه تهران.

بخشد. علاوه بر این می‌تواند معرف زاویه‌ای کم‌تر شناخته شده از شخصیت استاد جعفری لنگرودی که تبحر و توانایی خاص ایشان در شناخت منابع فقهی و فقهای صاحب‌نظر است، باشد. بر همین اساس ابتدا به معرفی کتاب شعائرالاسلام و بررسی گذرای رویکرد فقهی استاد جعفری لنگرودی پرداخته و سپس به برخی موارد مراجعه‌ی ایشان به کتاب شعائر اشاره خواهد شد.

۱- شعائرالاسلام در یک نگاه

ملا محمد اشرفی، یکی از ستاره‌های نورانی در کهکشان فقه و فقاہت است که در سن ۲۱ سالگی به درجه اجتهاد رسیده و به حجت‌الاسلام ملقب شده است. وی در عتبات در محضر درس عالمانی چون شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و سید محمد حسن شیرازی حاضر شد و از خرمن علم آن بزرگواران خوشه‌ها چید.

ملاحیب کاشانی صاحب لباب الالباب وی را این‌گونه توصیف می‌کند: "حاج ملا محمد اشرفی عالم و فاضل و عابد و مرتاضی بود که در این اعصار چون او دیده نشد و فقیه کاملی بود که در این دوران دومی نداشته است. او چهره تابناک در عصر خود و شریف‌ترین و عابدترین و زاهدترین آنان بوده است و به حجت‌الاسلام ملقب شد و میان خواص و عوام مراتب فضل و دانش و عبادت و زهد و گریه‌هایش و کراماتش معروف و مشهور است. از ثروت دنیا چیزی نپذیرفت و هیچ مسئله‌ای و چیزی از عباداتش کاهش نداد." مشهورترین آثار مکتوب وی عبارتند از: شعائرالاسلام، اسرارالشهادہ، المزار، تفسیر سوره قدر، رساله عملیه، الاجوبه عن الاستله.

کتاب شعائرالاسلام که به نظر می‌آید به تاسی از شرایع الاسلام محقق حلی نام‌گذاری شده باشد، از ۲۸ عنوان فقهی برخوردار است که آغازش کتاب الطهاره و انجام آن بیان شرایط قصاص است. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به کاربردی بودن، تازگی و استدلالی بودن مباحث طرح شده، نداشتن مباحث زاید و نامأنوس، خروج از حصار قول مشهور، فارسی بودن و در نتیجه قابلیت فهم آسان‌تر آن به ویژه برای دانشجویان را نام برد.^۲

کتاب شعائرالاسلام، اثری جامع در فقه به شمار می‌آید که تقریباً تمامی مسائل مورد ابتلا در همه زمینه‌ها اعم از عبادات، عقود، ایقاعات و احکام در آن گرد آمده است و می‌تواند هم‌چون سایر کتب فقهی، مرجع و مأخذ معتبر برای تحقیق و پژوهش قرار گیرد و محل رجوع بسیاری از نویسندگان و قلم‌فرسایان حوزه فقه و حقوق باشد. از پیش‌گامان این امر استاد جعفری لنگرودی است که با استفاده از تیزبینی و نکته‌سنجی خود، پیش از این قدر و منزلت کتاب را شناخته و به فراوان در آثار مکتوب خویش از آن بهره‌ها جسته است.

۱. کاشانی، حبیب‌الله، لباب الالباب، چاپ ۱، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۸.

۲. اشرفی، حاج ملا محمد، شعائرالاسلام، ج ۱، تصحیح و تعلیق احمد باقری، چاپ ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، صص. ۲۳ - ۲۶.

ویژگی خروج از حصار قول مشهور از جمله در خصوص صحت صلح ربوی، عام ندانستن قاعده نهی از غرر، قول به اخراج منجزات مریض از اصل، انتقای خیار مجلس در بیعی که یک نفر متکفل امر ایجاب و قبول باشد، تسری فساد شرط به عقد در تمام موارد، اعتقاد به بطلان معامله به قصد فرار از دین به دلیل "جهت" نامشروع آن و اعتقاد به صحت اسقاط مال‌موجب^۱ از مواردی است که دلیل مراجعه‌ی مکرر استاد جعفری لنگرودی را به شعائر روشن می‌کند.

۲- استاد جعفری لنگرودی و رویکرد به فقه

رویکرد استاد جعفری لنگرودی به فقه را باید در آثار ایشان جست‌وجو کرد. اولین نکته‌ای که از دقت در مکتوبات علمی استاد جعفری لنگرودی رخ می‌نمایاند مراجعات بی‌شمار ایشان به کتاب‌های فقهی است. ایشان راه تعالی حقوق را در ارتباط حوزه و دانشگاه دانسته و چنین می‌گویند:

"اگر کسی می‌خواهد از سنگهای آتشنه‌ی علمی استفاده کند، باید هر دو قطب علمی را طی کند. هم حوزه را ببیند هم دانشگاه را و اگر این دو تا را ببیند وحدت حوزه و دانشگاه جنبه رسمی و واقعی پیدا می‌کند."^۲

استاد جعفری لنگرودی در مصاحبه‌ای که با مجله کیهان فرهنگی در سال ۶۳ داشتند، رسالت خویش را نوسازی فرهنگ اسلامی دانسته و چنین بیان کرده: «بنده در تألیفاتم که از سال ۱۳۳۰ با دانشگاه تهران ارتباط داشتم و دارم و با حوزه که ارتباط داشتم و هنوز از راه کتاب‌ها این ارتباط را دارم، این دادوستد علمی را برقرار کردم و در واقع این دادوستد علمی باید باشد که فرهنگ اسلامی در آثار بنده نوسازی شود.»^۳

این نگاه پویا و با اعتماد به نفس به فقه و ظرفیت‌های فراوان آن تا بدان جا پیش می‌رود که از مجموع آرا و عقاید ایشان می‌توان ایده ساختن تمدن نوین اسلامی را نیز برداشت کرد. به ویژه آن‌جا که در کتابی که نگارش نظیر آن بر اساتید میرز هر گرایشی از حقوق لازم و ضروری است بیان می‌دارند: «در کتاب حاضر که ذخیره فرهنگ امت اسلام است، از ملاحظه کاری خبری نیست»^۴ و در این ایده، تقریب بین مذاهب اسلامی را نیز مورد امعان نظر قرار می‌دهد و چنین می‌نگارد: «آن ذخیره‌ی فرهنگی برای آحاد امت اسلام است صرف نظر از مکان‌ها و زمان‌ها.»^۵

این بیان وی نه تنها یک آرمان بلکه شیوه‌ی پژوهشی او است که با بررسی ارجاعات متعدد صورت گرفته در ذیل هر مطلب به منابع فقهی آشکار می‌شود.

۱. همان، ص. ۱۵ و ۱۶.

۲. قنبری، محمد رضا، بر تارک علم - شرح زندگانی افکار و آثار جعفری لنگرودی، محمد جعفر، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸

۳. همان، ص. ۱۳۱

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، اساس در قوانین مدنی - المدونه، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص. ۵.

۵. همان، ص. ۱۴

یکی از کتاب‌هایی که استاد جعفری لنگرودی در آثار خویش به کرات مورد اشاره قرار داده‌اند، کتاب شعائرالاسلام، تألیف حاج ملامحمد اشرفی است که در بیشتر موارد با عنوان شعائر^۱ و در مواردی با عنوان کامل شعائرالاسلام^۲ از آن یاد کرده‌اند.

بررسی برخی از آثار استاد جعفری لنگرودی و مشاهده موارد مراجعه ایشان به کتاب شعائرالاسلام که در مباحث مختلف است، مهر تاییدی بر اعتبار این یادگار جاودانه ملامحمد اشرفی است.

۳- واکاوی آرای استاد جعفری لنگرودی از میان کتاب شعائر

۳-۱- نظرات موافق

۳-۱-۱- خیار تخلف از شرط ضمنی

شرط ضمنی شرطی است که به واسطه‌ی رواج آن در قرارداد یا تلازم آن با موضوع قرارداد جزء جدایی‌ناپذیر آن است و تفسیر و قضاوت در خصوص قرارداد بدون توجه به آن امکان‌پذیر نخواهد بود. برخی اقسام شرط ضمنی را چنین ترسیم می‌کنند: «مبنای وابستگی شرط ضمنی با مفاد عقد، یکی از این سه عامل است: الف) عقل و بدهات؛ ب) قانون؛ ج) عرف و عادات قراردادی.»^۳

استاد جعفری لنگرودی در این خصوص چنین گوید: «ممکن است در عقد حواله (مانند بسیاری از عقود دیگر) شرط ضمنی وجود داشته باشد. در این مورد [صورت تخلف از شرط] نیز با توجه به مواد ۴۴۴ و ۴۵۶ ق.م.خیار فسخ به نفع مشروط‌الهدیه پدید می‌آید. مؤلف کتاب شعائرالاسلام^۴ نوشته است: (بدان که چنانچه لازم است وفای به شروط ضمنیه که بنای متعاقدين بر تعهد و التزام به آن باشد اگرچه صریحا مذکور نشده باشد. پس چنانچه ثابت می‌شود خیار اشتراط در صورت تخلف از شرط برای مشروط‌الهدیه در شروط صریحه، هم چنین ثابت می‌شود خیار اشتراط به تخلف از شروط ضمنیه...»^۵ همان‌گونه که ملاحظه شد در این خصوص استاد جعفری لنگرودی دقیقاً نظر شعائرالاسلام را مورد تایید قرار داده است.

۳-۱-۲- نظریه قبول تأسیسی در وصیت تملیکی

نظریه قبول تأسیسی در مقابل نظریه قبول اعلامی^۶ آورده شده و سعی در تبیین نقش قبول موصی‌له در

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، سیستم‌شناسی در علم حقوق، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱، ش ۴۵۸.

۲. همو، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، حقوق تعهدات عقود و ایقاعات، ج اول، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴.

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، چاپ ۵، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲.

۴. ارجاع به ص ۴۶۴ نسخه‌ی در دسترس

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی عقد حواله، چاپ ۴ (چاپ ۳ گنج دانش)، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳.

۶. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، چاپ ۳، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷

وصیت تملیکی و زمان ایجاد آثار در وصیت تملیکی دارد.
استاد جعفری لنگرودی این نظریه را چنین طرح می‌کند:
«این نظریه بر مجموع سه اندیشه‌ی ذیل قرار دارد:

الف- قبول، جنبه‌ی ماهوی دارد نه اثباتی، بنابراین نظریه قبول اعلامی درست نیست.

ب- عرفاً، وصیت تملیکی از حین موت موصی ناقل عین موصی به و نمائات است و قصد موصی هم همین بود که موصی به و نمائات از حین موت او منتقل گردد. بنابراین قبول ناقل، با ایجاب موصی توافق ندارد.
(ماده ۱۹۴ ق.م)

ملاحظه- این اشکال از نظر ماده ۱۹۴ ق.م بر کسانی که قبول را ناقل می‌دانند کاملاً وارد است.

ج- قصد موصی، به تنهایی، نمی‌تواند آفریننده‌ی اثر حقوقی باشد و موصی به را به موصی له منتقل کند زیرا تملیک قهری به دیگری معقول نیست و باید قبول موصی له با ایجاب موصی همکاری کند تا موجب انتقال موصی به، به موصی له شود. ولی برای این که این انتقال از تاریخ مرگ موصی (که مقدم بر تاریخ قبول موصی له است) عملی شود نمی‌توانیم قبول موصی را جزء سبب ناقل بدانیم (یعنی نمی‌توانیم سبب ناقل موصی به را مرکب از دو قصد موصی و موصی له تلقی کنیم تا قصد موصی له جزئی از اجزاء این سبب بوده باشد) ولی می‌توانیم آن را مایه اعتبار دادن به قصد موصی بدانیم و بگوییم قصد موصی له به قصد موصی اعتبار می‌بخشد و چون قصد موصی این بود که موصی له از حین مرگ او مالک موصی به شود بنا بر این، قصد موصی له مایه اعتبار قصد موصی به کیفیت که ابراز شده می‌شود. به همین جهت گفته‌اند: «قصد موصی له برای (اعتبار موقوف) است نه برای (ایجاد ما لم یقع)».

در ادامه استاد جعفری لنگرودی نظر شعائر الاسلام را عیناً نقل کرده و تایید می‌کنند:

«مؤلف کتاب شعائر الاسلام^۱ با عبارت پیچیده‌ای به تمام مراتب بالا تصریح کرده و می‌گوید: نیست وصیت حقیقتاً از عقود! به حیثیتی که بوده باشد قبول، جزء مملک، پس حاصل می‌شود به ایجاب وصیت، بعد موت موصی، تعلق آن مال به موصی له و منصرف شدن از وارث و لکن اعتبار شرعی آن مشروط است به وقوع قبول از موصی له. واضح است که مراد موصی، نقل عین است به سوی موصی له..... به موت موصی و قبول موصی له نیز قبول همین معنی است؛ و در زمان موخر، نقل مال در سابق معقول نیست و لکن معتبر شدن امر واقع در سابق، در زمان لاحق، ممکن و معقول است و لهذا تعبیر می‌کنیم از این نحو شرط و اشتراط به کاشفیت.»

نظر: حسن این نظریه در آن است که سعی می‌کند منافع موصی به از تاریخ مرگ موصی، به موصی له منتقل شود و به این ترتیب کوشیده است تا یکی از عناصر عرفی وصیت تملیکی را دریابد و نادیده نگیرد.

۱. اشرفی، حاج ملا محمد، شعائر الاسلام، تصحیح و تعلیق احمد باقری، ج ۲، چاپ ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۶. (ارجاع

«از طرف دیگر در این نظریه سعی شده است که قواعد علت و معلول همان طور که در فلسفه رعایت می‌شود در مسائل حقوقی هم رعایت شود. یعنی وقتی که قصد و رضا مایه‌ی انتقال مالکیت مالی می‌باشد آن قصد و رضا جنبه‌ی علت دارد و آن مالکین، جنبه‌ی معلول و برابر یک قاعده‌ی فلسفی تقدم معلول بر علت، محال است».^۱

۳-۱-۳- امکان اسقاط حق شفعه قبل از ایجاد آن

در خصوص امکان یا عدم امکان اسقاط حق شفعه قبل از ایجاد آن نظرات مختلفی ابراز شده است. به نظر برخی حقوق دانان حق را پیش از به دست آوردن آن نمی‌توان اسقاط کرد و جمع دیگر، اراده را نافذ شمرده‌اند.^۲ برخلاف این دو نظر برخی اسقاط ضمنی را در صورت همراه بودن با قرائن و اوضاع و احوال موید این امر پذیرفته‌اند.^۳

استاد جعفری لنگرودی ضمن تایید نظر مؤلف شعائر این امر را در توضیح ماده ۶۹۱ قانون مدنی چنین ترسیم می‌نماید: «ما لم یجب یعنی چیزی که موجود نشده است و معدوم است و ماده ۶۹۱ ق.م.ضمان دین غیرموجود را اجازه می‌دهد. به شرط این که سبب آن موجود شده باشد. در این جا مفهوم اصطلاحی سبب، عامل موثر ضعیف را هم در بر می‌گیرد. در صلح بر اسقاط حق شفعه قبل از بیع سهم الشریکه هم هرچند حق شفعه وجود ندارد ولی سبب آن که شرکت است وجود دارد. لذا ملاک ماده ۶۹۱ قانون مدنی را می‌توان در صلح مذکور به کار برد و عقل هم چنین چیزی را محال نمی‌داند».

مؤلف شعائر الاسلام عقیده دارد که هرگاه قبل از بیع سهم الشریکه، شریک اذن فروش به شریک بدهد و اظهار علاقه به تملک سهم شریک نکند اساساً مقررات شفعه حقی برای او قائل نیست.^۴

۳-۱-۴- اثر قهقرایی اجازه در عقد فضولی

ماده ۲۵۸ قانون مدنی در خصوص معامله فضولی، به تفکیک اثر اجازه نسبت به عین و منافع اقدام و اجازه را نسبت به عین از روز اجازه و نسبت به منافع از روز عقد موثر دانسته است. استاد جعفری لنگرودی در انتقاد از این تفکیک ضمن تایید نظر شعائر الاسلام چنین نظر داده‌اند: «از جمله موهومات، مدلول ماده ۲۵۸ ق.م. است که اجازه را نسبت به عین مال مورد فضولی از تاریخ اجازه موثر دانسته است ولی نسبت به منافع از تاریخ عمل فضولی موثر دانسته است. یعنی اثر قهقرایی اجازه را فقط نسبت به منافع پذیرفته است نه نسبت به عین. چرا این تبعیض را پذیرفته‌اند؟ برای این که اثر قهقرایی اجازه را (که امر انشایی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی وصیت، چاپ ۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰، ص. ۲۴ و ۲۵.

۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج دوم، چاپ ۱۸، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۴، ص. ۲۸.

۳. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۱۱، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص. ۵۱۲، ذیل ماده ۸۲۲، ش ۲.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی رهن و صلح، چاپ ۲، تهران، گنج دانش، خرداد ۱۳۷۰، ص. ۲۲۱.

۵. اشرفی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲. (ارجاع به ص ۵۱۸ نسخه‌ی در دسترس)

است) نسبت به عین، ضروری ندانسته‌اند ولی نسبت به منافع، ضروری دانسته‌اند. مؤلف کتاب شعائر^۱ سخت بر این نظر تاختم و گفته است: ((ملک نماء و منافع تابع ملک عین است، زیر پا نهادن قاعده تبعیت موهون و موهوم است.))

اثر تصویب (تنفیذ) مالک این است که تعویض دو مال که هدف تراضی عاقد فضول و مشتری بوده است و آن هدف از این راه، قابل وصول نبود، قابل وصول می‌شود. یعنی ثمن ملک مجیز می‌شود و مبیع ملک مشتری. تعاون دو رضا (از مجیز و مشتری) عطف به ماضی می‌کند؛ یعنی عین و منافع را از زمان تراضی عاقد فضول و مشتری، مورد نقل و انتقال قرار می‌دهد. عطف رضا به ماضی در عالم وجود اعتباری (در نصوص شرع) امری است مسلم و مفروغ عنه^۲.

۳-۱-۵- قاعده حق سلب

اظهار نظر پیرامون تمییز حقوق قابل سلب توسط اراده و حقوقی که حتی به صورت ارادی نیز نمی‌توان آن‌ها را از خود سلب کرد همواره معرکه آرای اندیشمندان حقوقی بوده است. از دیدگاه استاد جعفری لنگرودی در این زمینه^۴ نظر وجود دارد. یکی از آن نظرات مربوط به ملامحمد اشرفی است که این‌چنین به نقل آن پرداخته‌اند:

«[به] نظر صاحب شعائرالاسلام^۳ وکالت بلاعزل مصادیقی است از مصادیق سلب حق. به نظر او وکالت بلاعزل در اموال درست است ولی در نفوس درست نیست، او در این مورد می‌نویسد: «انسان مسلط است بر انحاء تصرفات در مال خود. اما نسبت به نفوس پس ظاهر این است که چنین نباشد. مثلاً اگر شخص عاقل بالغ رشید بخواهد اختیار طلاق زوجه‌ی خود را به غیر واگذارد به طوری که بعداً خود او اختیاری نداشته باشد و عدم رضای او به وقوع طلاق بی‌اثر شود، یا آن‌که زن عاقل بالغ رشید ثبیه اختیار نکاح خود را به دیگری بدهد که اگر در حین عقد، رضای نباشد رضای او را اثر نباشد و صحت و فساد عقد، مربوط باشد به رضای نایب. ظاهر آن است که شروطی که مفاد آن‌ها این‌گونه امور باشد شرط منافی با کتاب و سنت است...»^۴ چنان‌که می‌بینید از نظر وی بین اموال و نفوس فرق است، تحریم حلال را در نفوس حتی در موارد جزئی هم صحیح نمی‌داند، از این جهت نظر او با نظر [سایر فقیهان] متفاوت است.

۳-۱-۶- ماهیت حواله از غیرمدیون

در خصوص حکم مقرر در قانون مدنی در مورد ماهیت حواله از بری، ظاهر ماده حکایت از صدق عنوان

۱. ارجاع به صفحه ۳۴۲ نسخه‌ی در دسترس

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۲

۳. ارجاع به صفحه ۵۰۸ نسخه‌ی در دسترس

۴. اشرفی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۹.

حواله بر آن ضمن عدم جریان احکام حواله دارد. استاد جعفری لنگرودی ضمن مخالفت با این برداشت لفظی، با استناد به نظر شعائر جهت تقویت دیدگاه خویش، چنین اظهار نظر می‌کند: «ماده ۷۲۶ قانون مدنی می‌گوید: اگر در مورد حواله، محیل مدیون محتال نباشد، احکام حواله در آن جاری نخواهد بود. [در حالی که] باید گفته می‌شد که این حواله نیست یعنی موضوعاً از عنوان حواله خارج است همان‌طور که در فقه^۱ گفته‌اند.»^۲

۳-۱-۷- نکاح مسلمه با غیر مسلم

قانون مدنی در ماده ۱۰۵۹ چنین مقرر می‌دارد: نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست. استاد جعفری لنگرودی با اشاره به نظر ملامحمد اشرفی در شعائر، پیشنهادی را برخلاف نظر قانون مدنی مطرح می‌نماید که می‌تواند راهگشای برخی از مشکلات حوزه حقوق خانواده به ویژه در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی و ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان در مواردی که قانون متبوع مرد این ازدواج را صحیح می‌داند باشد. ایشان چنین می‌نویسند: «نظر صحت این نکاح^۳ هم قابل دفاع ممکن است باشد».^۴

۳-۱-۸- تبعیت شرط از عقد در وصف تبعی بودن

ماده ۶۷۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد که موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر این‌که وکالت وکیل و یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد. ماده ۷۸۷ نیز در خصوص عقد رهن، آن را نسبت به مرتهن جایز و نسبت به راهن لازم می‌داند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که در صورت درج شرط وکالت مرتهن در ضمن عقد رهن، وضعیت این شرط از حیث لزوم و جواز چگونه است؟

استاد جعفری لنگرودی به این سوال این‌گونه پاسخ می‌گویند:

«[در خصوص شرط وکالت مرتهن در استیفای طلب خود از طریق فروش عین یا قیمت مال مرهون] با لزوم عقد رهن نسبت به راهن و جواز آن نسبت به مرتهن شرط وکالت مرتهن به شرح ماده ۷۷۷ ق.م. نسبت به راهن لازم است و نسبت به مرتهن جایز است و به عبارت دیگر همان‌طور که خود شرط، تعهد تبعی است لزوم و جواز آن هم تبعی است»^۵. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود استاد جعفری لنگرودی در این زمینه از صاحب شعائر تأثیر پذیرفته و با وی هم‌نظر هستند.

۱. اشرفی، ۱۳۸۸، ص ۱۰. (ارجاع به صفحه ۶/۳۱۴ نسخه‌ی در دسترس)

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص. ۴۶

۳. ارجاع به صفحه ۵۵۹ نسخه‌ی در دسترس

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق خانواده، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸، ص. ۹۴

۵. همو، حقوق مدنی رهن و صلح، چاپ ۲، تهران، گنج دانش، خرداد ۱۳۷۰، ص. ۷۸

۶. اشرفی، ۱۳۸۸، صص. ۸۵-۹۴. (ارجاع به صفحه ۵۰۴ نسخه‌ی در دسترس)

۳-۱-۹- بقای نمایندگی در فروش یا تملک مال الرهانه با فوت و جنون راهن یا مرتهن

قانون مدنی در ماده ۶۷۹ چنین مقرر می‌دارد: «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر این‌که وکالت وکیل و یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.» با این حال در همین مورد هم امر مشمول بند ۳ ماده ۶۷۸ است و به موت یا جنون وکیل یا موکل وکالت مرتفع می‌شود.^۱ استاد جعفری لنگرودی با تاثیر گرفتن از نظریه شعائر این فرض را بدین نحو تحلیل می‌کند:

«ممکن است ضمن عقد رهن راهن به مرتهن حق بدهد که در صورت عدم تادیه دین در موعد، او بتواند رهنه را بفروشد و طلب خود را بردارد یا معادل طلب خود از عین رهنه تملک کند و مقصود طرفین این باشد که این هدف در خارج از قلمرو استنباه محقق گردد. در این صورت با فوت و جنون و سفه راهن حق مذکور از بین نمی‌رود. در حقوق ایران هنوز کسی سراغ این اندیشه نرفته است. نظر فقها هم در این مورد درست است^۲ و ماده ۱۰ ق.م.هم مؤید آن است در این صورت اساساً وکالت وجود ندارد».^۳

۳-۱-۱۰- خیار غبن در عقود مسامحه

«با توجه به تعریف عقد مسامحه که به هم خوردن موازنه در ارزش، جوهر آن را تشکیل می‌دهد این احتمال پیش می‌آید که خیار غبن در عقود مسامحه راه ندارد (ماده ۷۶۱ ق.م) اما صحیح این است که گفته شود: به هم خوردگی موازنه، کلی مقول به تشکیک است. یعنی ذومراتب است. پس اگر بیعی کنند و غبن محتمل در بیع را صلاحاً ساقط کنند، ظاهر این است که جمیع مراتب غبن را ساقط نکرده‌اند. مثلاً اگر ثمن ۱۰ تومان باشد و غبن ۸ تومان باشد، ظاهر عدم سقوط این غبن است و خیار برای زیان دیده هست».^۴ از دقت در عبارت استاد جعفری لنگرودی که به شعائر نیز استناد کرده‌اند، مشخص می‌شود که در این زمینه با نظریه‌ی ملامحمد اشرفی در شعائر موافق و هم‌نظر هستند.

۳-۲- نظرات مخالف

۳-۲-۱- ماهیت مغارسه

استاد جعفری لنگرودی در دیدگاهی مخالف با دیدگاه صاحب شعائر و مشهور فقهای امامیه حکم به صحت عقد مغارسه نموده و چنین استدلال می‌نمایند:

«عقد مغارسه عقدی است که مالک زمین یا منافع آن، ملک را به کسی بدهد که غرس اشجار کند و در درختانی که به عمل می‌آید شریک باشند. فرق نمی‌کند که نهال مغروس مال مالک مذکور باشد یا مال

۱. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۱۱، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص. ۴۴۷، ذیل ماده ۶۷۸، ش ۲.

۲. ارجاع به صفحه ۵۰۸ نسخه‌ی در دسترس

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی رهن و صلح، چاپ ۲، تهران، گنج دانش، خرداد ۱۳۷۰، ص. ۸۱.

۴. همو، فلسفه اعلی در علم حقوق، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۰.

۵. اشرفی، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۸. (ارجاع به صفحه ۳۹۵ نسخه‌ی در دسترس)

عامل مغارسه یا مشترک باشد»^۱. اکثریت امامیه بر اساس توقیفی بودن عقود می‌گویند نص بر صحت مغارسه نداریم، پس هرچه که نص بر صحت آن نباشد فاسد است. (اصاله الفساد در عقود) مستند اجماع^۲ مذکور اصل توقیفی بودن معاملات است. این اصل بر خلاف سنت شارع است؛ زیرا شارع (در ماهیات معاملات) اجازه به عرف می‌کند بدون تضییق و محدودیت. این سنت شرعی بر اصل توقیفی بودن معاملات حاکم است. عقد مغارسه از عقود مخاطره است و شارع عقود مخاطره را نهی نکرده است. [حدیث] نبوی نهی از غرر، ناظر به غرر عرضی است. اضافه می‌کنم که هرچند هدف عاقدین، در عقود مخاطره مجهول‌الحصول است ولی غالباً هدف حاصل می‌شود. به همین جهت عقلاً از آن حمایت کرده‌اند»^۳.

۳-۲-۲- معیار تعیین عقد یا ایقاع بودن عمل حقوقی

از مباحث دشوار علم حقوق یکی تعیین عقد یا ایقاع بودن یک عمل حقوقی است. مسئله‌ای که به واسطه‌ی اختلاف ملاک‌های در نظر گرفته شده توسط هر فقیه باعث تشتت آرای فقیهان و به تبع حقوق دانان در این زمینه شده است. استاد جعفری لنگرودی در کتاب اندیشه و ارتقاء معیار مورد استفاده شعائرالاسلام و قواعد شهید را مورد انتقاد قرار داده و این مشکل را این‌گونه حل می‌کند:

«مشکل ماهیت‌شناسی یکی و دو تا نیست. به هر سمت که روی‌آوری با مشکلات روبرو می‌شوی. یکی از مشکلات این است که در مورد پاره‌ای از ماهیات (مانند وقف، وصیت و وکالت) نخست تصمیم می‌گیرند که آن‌ها را زیر چتر عقد قرار دهند سپس پاره‌ای موارد را استثنای از عقد می‌کنند. [مثلاً] مؤلف کتاب شعائر^۴ به پیروی از قواعد شهید^۶ مورد را به صورت استثنا در وصیت تملیکی آورده است و گفته است: «قبول در این‌ها شرط نیست.»

هر جا دیدید که زیر عنوان یک ماهیت حقوقی (مانند وقف یا وصیت یا وکالت یا غیره) دو یا چند قسم را ذکر می‌کنند و در برخی از آن اقسام، قبول را شرط نمی‌دانند، قرارگاه ماهیت در آن قسم است که قبول را در آن شرط نمی‌دانند و در نتیجه آن ماهیت کلاً در همه اقسام آن، ایقاع است نه عقد. [در نتیجه] وصیت تملیکی ایقاع است و قرارگاه ماهیت در وکالت و وقف و وصیت همان ایجاب تنها است»^۵.

۱. ارجاع به صفحه ۴۴۰ نسخه‌ی در دسترس

۲. به نظر می‌رسد مقصود ایشان از اجماع قول مشهور باشد.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، اندیشه و ارتقا (یکصد و یک مقاله در ماهیت‌شناسی حقوقی)، چاپ ۱، تهران، گنج‌دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۲۰

۴. اشرفی، حاج ملا محمد، شعائر الاسلام، ج ۲، تصحیح و تعلیق احمد باقری، چاپ ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴. (ارجاع به صفحه ۵۸۹ نسخه‌ی در دسترس)

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، اندیشه و ارتقا (یکصد و یک مقاله در ماهیت‌شناسی حقوقی)، چاپ ۱، تهران، گنج‌دانش، ۱۳۸۷،

۳-۲-۳- موانع ارث

قانون مدنی در فصل سوم از باب دوم قسمت مربوط به وصایا و ارث در مواد ۸۸۲ و ۸۸۳ از لعان در شمار موانع ارث نام می‌برد. استاد جعفری لنگرودی با انتقاد از این امر چنین استدلال می‌کند: «مانع واقعی به معنای اصطلاحی مانع همین ۳ چیز است [قتل، کفر، رقیبت]. سایر نظرات^۱ راجع به تعداد مانع خطا است. خطا ناشی از ندانستن معنی مانع در اصطلاحات اهل فن است. لعان را نباید در ردیف قتل از موانع ارث شمرد. در مورد لعان اساساً نسب وجود ندارد و ماده ۸۶۱ قانون مدنی اعمال می‌شود. اما در مورد قتل نسب وجود دارد و ماده ۸۶۱ به کار نمی‌رود. نویسنده قانون مدنی مانند اکثر مؤلفان^۲ به راه درست نرفته است.»^۳

۳-۲-۴- شرط استفاده از حبوه توسط وارث

«برخی عقیده دارند که شرط استفاده از حبوه این است که آن چه از نماز و روزه‌ی مورث که فوت شده است وارث انجام دهد.^۴ دلیلی بر این نظر نیست و ماده ۹۱۵ ق.م.هم آن را نپذیرفته است.»^۵

۳-۲-۵- نظریه‌ی کاشفیت قبول در وصیت تملیکی

«تا قبل از اعلان قبول از طرف موصی له به حسب ظاهر امر، ورثه موصی مالک شناخته می‌شوند. ولی با اعلان قبول معلوم می‌شود که موصی له از حین موت موصی مالک موصی به بوده است و این قبول به وارث موصی له به ارث می‌رسد.»^۶

استاد جعفری لنگرودی به این امر چنین پاسخ می‌دهد: «حق (ملک ان یملک) نوعی حق مالی است مانند حق اقاله که روی اصول کلی به ارث می‌رسد و به استناد این حق است که می‌توان اظهار قبول وصیت کرد. در واقع حق (ملک ان یملک) به ارث می‌رسد نه حق قبول و فرق این معنی بسیار است. هرچند که تاکنون به این اندازه به آن توجه نشده است. وراثت قبول در نظریه قبول ناقل و کاشف از نظر موازین حقوق مدنی به هیچ وجه قابل توجیه نیست و تنها در نظریه ایقاع قابل توجیه است.»^۷

۳-۲-۶- نکاح با صغیره به قصد محرم شدن

قانون مدنی در ماده ۱۰۴۱ ق.م. در خصوص سن نکاح چنین مقرر می‌دارد: عقد نکاح دختر قبل از رسیدن

۱. ارجاع به صفحه ۷۳۱ نسخه‌ی در دسترس

۲. ارجاع به صفحه ۷۳۳ نسخه‌ی در دسترس

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی ارث، چاپ ۱، تهران، موسسه امیرکبیر، ۲۵۳۷، صص. ۹۱-۹۳

۴. اشرفی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۹. (ارجاع به صفحه ۷۳۴-۷۳۶ نسخه‌ی در دسترس)

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی ارث، چاپ ۱، تهران، موسسه امیرکبیر، ۲۵۳۷، ص. ۱۶۷

۶. ارجاع به صفحه ۵۴۳ نسخه‌ی در دسترس

۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی وصیت، چاپ ۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰، صص ۷۳ و ۷۴

به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

با توجه به ماده صدرالاشاره مشخص می‌شود که قانون‌گذار تفاوتی بین نکاح با هدف محرم شدن با مادر معقوده و نکاح به قصد تزویج قائل نشده و آن را مطلقاً منوط به ۲ شرط اذن ولی با رعایت مصلحت و اجازه دادگاه نموده است. اما استاد جعفری لنگرودی بین این دو نوع نکاح تفاوت قائل شده و در این باره چنین می‌گویند:

«در خصوص نکاح با صغیره به قصد محرم شدن که اکثر فقهای امامیه^۱ آن را درست می‌دانند. مؤلف جامع الشتات آن را باطل می‌داند و حق با اوست.»^۲

۳-۲-۷- هدف حواله

اثر و هدف اصلی حواله انتقال است. اما این که آیا در حواله آن چه منتقل می‌شود، طلب و حقی است که طلب‌کار بر عهده بدهکار دارد یا دین موجود بر ذمه بدهکار که به ذمه متعهد جدید منتقل می‌شود یا ترکیبی از این دو، امری است که محل تضارب آرای فقیهان قرار گرفته است. آن چه از مباحث فقها در باب آثار عقد حواله مستفاد می‌شود، این است که اثر اصلی و در واقع مقتضای ذات حواله انتقال دین محیل به محال‌علیه و سقوط این دین از ذمه محیل است.^۳

استاد جعفری لنگرودی ضمن نسبت دادن این امر که هدف از حواله ایفای طلب محتال است، به صاحب شعائر الاسلام^۴، به این اعتقاد چنین پاسخ می‌گوید:

«هرچند که واقعاً هدف حواله ایفای دین محیل است، لکن با تحقیق بیشتری که در این کتاب صورت گرفت، معلوم شد خود عقد حواله که مرکب از ایجاب و قبول محیل و محتال است نتیجه‌ی ایفای دین را نمی‌دهد بلکه عقد تبعی بین محتال و محال‌علیه است که نتیجه‌ی ایفا را به بار می‌آورد، فقط می‌توان گفت که هدف عقد حواله ایفای دین محیل است اما این هدف را عقد حواله به تنهایی نمی‌تواند محقق گرداند. شاید به همین جهت است که بعضی از فقها بزرگ امامیه عقد حواله را نه بیع دین به دین دانسته‌اند و نه ایفا بلکه آن را عقدی مستقل از بیع و ایفا شمرده‌اند. بر این پایه تعریف دقیق عقد حواله این است: حواله عقدی است بین بدهکار و بستانکار به منظور ایفای دین به توسط ثالث. عقد حواله معلق بر قبول محال‌علیه است.»^۵

۱. اشرفی، حاج ملا محمد، پیشین، ص. ۲۸۸. (ارجاع به صفحه ۶۰۴ نسخه‌ی در دسترس)

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق خانواده، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸، ص. ۳

۳. باقری، احمد، مهدیان، محسن، حواله و نهادهای مشابه در حقوق ایران، چاپ ۱، گرگان، نوروزی، ۱۳۹۶، ص. ۳۰.

۴. اشرفی، ۱۳۸۸، ص. ۵. (ارجاع به صفحه ۴۶۲ نسخه‌ی در دسترس)

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق مدنی عقد حواله، چاپ ۴ (چاپ ۳ گنج دانش)، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰، ص. ۳۴

نتیجه‌گیری:

در میان حجم گسترده‌ی آثار مورد مراجعه‌ی استاد جعفری لنگرودی، تعداد موارد استنادی به کتاب شعائرالاسلام در مقایسه با سایر کتاب‌های فقهی بسیار قابل توجه است. این تعدد مراجعه علاوه بر آن که موید جدیت و تلاش ستودنی وی در راه جمع‌آوری نظرات فقیهان و پیوند زدن آن با مباحث حقوقی و دانشگاهی است، گویای ارزش والای کتاب شعائرالاسلام و لزوم توجه بیش از پیش محققان و اندیشمندان حقوقی به این اثر گران‌سنگ است. از مقایسه‌ی آرای استاد جعفری لنگرودی و مؤلف شعائرالاسلام، می‌توان اشتراک نظر آنان در غالب موضوعات در عین استقلال رای در موارد محل اختلاف را نتیجه گرفت. وانگهی با توجه به توانایی نه‌چندان گسترده متعلمین حقوق در مراجعه به منابع با زبان عربی، تألیف شعائر به زبان فارسی و با استدلالات دقیق فقهی اصولی، می‌تواند راهگشای دانشجویان رشته‌ی حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی در بهره‌گیری هرچه بیشتر از نظرات فقهی باشد. در پایان به نظر می‌رسد تحقیقاتی از این دست در خصوص تألیفات سایر بزرگان حقوقی هم‌چون امامی، کاتوزیان، شهیدی، سید حسین صفایی و دیگر اندیشمندان عرصه حقوق که خود را مرهون آموزه‌های فقهی و بهره‌مند از مباحث فقهی و آرای فقیهان برجسته اسلامی دانسته‌اند، علاوه بر آن که راه را برای افزایش کیفیت تألیفات فقهی و حقوقی هموار می‌کند، می‌تواند موجبات همگرایی دو عرصه فقه و حقوق و تعالی و تعمیق مباحث و نظریات فقهی و حقوقی را فراهم آورد.

منابع و مأخذ:

۱. اشرفی، حاج ملا محمد، (۱۳۸۵)، شعائر الاسلام، جلد اول، تصحیح و تعلیق احمد باقری، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۲. اشرفی، حاج ملا محمد، (۱۳۸۸)، شعائر الاسلام، جلد دوم، تصحیح و تعلیق احمد باقری، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۳. امامی، سید حسن، (۱۳۸۴)، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ هجدهم، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۴. باقری، احمد، مهدیان، محسن، (۱۳۹۶)، حواله و نهادهای مشابه در حقوق ایران، چاپ اول، گرگان، نوروزی.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۸)، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۹)، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، آبان.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی رهن و صلح، چاپ دوم، تهران، گنج دانش خرداد.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی کفالت، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، خرداد.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی وصیت، چاپ دوم، تهران، گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، خرداد.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، فن استدلال، منطق حقوق اسلام، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، مضاربه، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، سیستم‌شناسی در علم حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، اساس در قوانین مدنی - المدونه، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، اندیشه و ارتقا (یکصد و یک مقاله در ماهیت‌شناسی حقوقی)، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش.

۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، حقوق تعهدات عقود و ایقاعات، جلد اول، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۲۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۰)، حقوق مدنی عقد حواله، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.
۲۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، تاثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۲۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، فلسفه اعلی در علم حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۲۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۲۵۳۶)، حقوق ثبت (جلد اول)، چاپ دوم، تهران، چاپخانه حیدری.
۲۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۲۵۳۷)، دوره حقوق مدنی ارث، چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
۲۵. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۲۶. قانون مدنی.
۲۷. قنبری، محمدرضا، (۱۳۸۶)، بر تارک علم - شرح زندگانی افکار و آثار استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۲۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ یازدهم، تهران، میزان.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۰. کاشانی، حبیب الله، (۱۳۹۴)، لباب الالباب، چاپ اول، قم، موسسه کتابشناسی شیعه.